



Research Article

Institutional capacity and sustainable regional development (Case study: Bojnourd and Raz and Jorglan counties, North Khorasan province)

Khoda Karam Molaei¹, Lotfali Kozehgar Kaleji^{*1} , Mohammad Taghi Razavian¹, Jamileh Tavakolinia¹

1-Department of Human Geography and Spatial Planning, Faculty of Earth Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: 02 Dec 2022 Accepted: 27 Sep 2023

Extended Abstract

Introduction: Regional sustainable development is influenced by many variables, and institutional capacity is one of them. If institutions have significant capacity, development is more possible, that's why this subject has a special importance for study. However, there are fundamental challenges in using the institutional capacities, which, especially in developing countries, have endangered the goals of sustainable development more than before and should be discussed and investigated.

Materials and methods: This research aims to answer two questions with a comparative study of Bojnord and Raz and Jorglan in North Khorasan province. 1- What is the level of institutional capacity in the study areas? 2- What is the relationship between institutional capacity and regional sustainable development? The statistical population of the research is at the level of institutional employees and civil society, from which 400 samples have been selected from each of them.

Results and discussion: The results of the research based on the independent one-sample t-test show that according to the employees, the average of the institutional capacity components in Bojnord is equal to 2.63 and in Raz and Jorglan it is 2.44, which is lower than the average. According to the opinions of the civil society, institutional measures in line with the sustainable development of the region are 2/44 in Bojnord and 2/37 in Raz and Jorglan, which can confirm the obtained results with a 95% confidence level and realize the unfavorable performance of the institutions. Also, the results of Pearson's test show a positive and significant relationship between some research components. In Raz and Jarglan, as one of the most deprived areas of North Khorasan province, the situation is far more critical than in Pebjnoord as the capital of the province. Because, on the one hand, the institutional capacity is extremely low, and on the other hand, the performance of the institutions, in parallel with their capacity, has had very little effects on the process and institutionalization of sustainable development. Although this pattern is also true in Bojnord, but to some extent its situation is more hopeful and more favorable than Raz and Jarglan.

Conclusion: The results of this research are related to the study areas and its generalizability may not be confirmed in other regions of the country and the world because there is a big difference between the development process and the degree of development of societies as well as the executive systems of countries. Finally, executive proposals have been presented, such as "providing incentives for institutions to improve service delivery and more optimal and desirable functions."

Keywords: Bojnord, Sustainable development, Regional development, Raz and Jorglan, Institutional capacity, Institution.

Citation: Khoda Karam Molaei, Lotfali Kozehgar Kaleji, Mohammad Taghi Razavian, Jamileh Tavakolinia (2023). Institutional capacity and sustainable regional development, *Res. Earth. Sci.* 14(4) (49-62), DOI: 10.48308/ESRJ.2022.102411

* Corresponding author E-mail address: l_kozegar@sbu.ac.ir



ظرفیت نهادی و توسعه پایدار منطقه‌ای (مورد پژوهی: شهرستان‌های بجنورد و راز و جرگلان، استان خراسان شمالی)

خداکرم ملایی^۱، لطفعلی کوزه‌گر کالجی^{۱*} , محمدتقی رضویان^۱، جمیله توکلی‌نیا^۱

۱- گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

(پژوهشی) دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۱۱ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

چکیده گسترده

مقدمه: در سه دهه اخیر، کاربست ظرفیت نهادی در تحقق توسعه پایدار منطقه‌ای در رأس برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای کشورهای جهان درآمده، با این حال در کشورهای کمتر توسعه یافته‌ای همچون ایران این مهم مورد غفلت واقع شده است. این نهادها به عنوان کارگزاران توسعه نقش بی‌بدیلی در تحولات فضایی دارند که در این پژوهش شهرستان‌های بجنورد و راز و جرگلان مورد مطالعه قرار گرفته تا ابتدا ظرفیت‌های متولی توسعه در آن ارزیابی گردد و سپس رابطه این ظرفیت‌ها بر توسعه پایدار منطقه‌ای تحلیل گردد.

موارد و روش‌ها: جامعه آماری پژوهش در سطح کارکنان نهادی و جامعه مدنی است که در هر کدام از آن‌ها به تعداد ۴۰۰ نمونه به شیوه غیرتصادفی برگزیده شده است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی؛ یافته‌های پژوهش ارائه گردد.

بحث و نتایج: نتایج پژوهش براساس آزمون t-test تک نمونه‌ای مستقل نشان می‌دهد که از منظر کارکنان نهادی، در شهرستان بجنورد میانگین مولفه‌های ظرفیت نهادی برابر با ۲/۶۳ و در شهرستان راز و جرگلان ۲/۴۴ می‌باشد که از حد متوسط به ترتیب ۰/۳۷- و ۰/۵۶- کمتر است. براساس نظرات جامعه مدنی، اقدامات نهادی در راستای توسعه پایدار منطقه‌ای در شهرستان بجنورد ۲/۴۴ و در شهرستان راز و جرگلان ۲/۳۷ می‌باشد که با سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان معناداری و تفاوت‌های به دست آمده تایید نمود و به عملکرد نامطلوب نهادها پی برد. همچنین نتایج آزمون پیرسون گویای ارتباط مثبت و معنادار میان برخی از مولفه‌های پژوهش است. ارتباطی که میان ۱۷ مولفه پژوهش در دو شهرستان وجود دارد نشان می‌دهد که در صورت ارتقای ظرفیت نهادی می‌توان فرایند و نهادینگی توسعه پایدار را محقق ساخت اما در شرایط فعلی به دلیل ظرفیت پایین نهادها این رابطه تاثیر منفی برجای گذاشته به گونه‌ای که ظرفیت پایین نهادها موجب ناکارآمدی آنان و تاثیرات ناکافی شده است در همین ارتباط لازم است توجه ویژه‌ای به هر کدام از ابعاد ظرفیتی شود به گونه‌ای که با سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان در دستور کار جدید، به ارتقای آن همت گمارد گرچه صرفاً به دلیل ظرفیت نهادی نمی‌توان توسعه را در شهرستان‌های مطالعاتی پیش‌بینی کرد که بر همین اساس می‌بایست ظرفیت‌های ایجاد شده را به بهره‌برداری رساند تا تاثیرات مطلوب و مثبت آن ماندگار گردد.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش در ارتباط با مناطق مطالعاتی است و ممکن است تعمیم‌پذیری آن در مناطق دیگر کشور و جهان قابل تایید نباشد زیرا بسترهای توسعه و درجه توسعه‌یافتگی جوامع و همچنین سیستم‌های اجرایی کشورها در مواجهه با مسائل با توجه به کثرت نهادها متفاوت است. در نهایت پیشنهاد اجرایی همچون "تنظیم مشوق‌های مادی و معنوی برای نهادها در راستای رقابت برای ارتقای خدمات رسانی و عملکردهای بهینه‌تر و مطلوب‌تر" ارائه شده است.

واژگان کلیدی: بجنورد، توسعه پایدار، توسعه منطقه‌ای، راز و جرگلان، ظرفیت نهادی، نهاد.

استناد: خداکرم ملایی، لطفعلی کوزه‌گر کالجی، محمدتقی رضویان، جمیله توکلی‌نیا (۱۴۰۲). ظرفیت نهادی و توسعه پایدار منطقه‌ای، پژوهشهای

دانش زمین: ۱۴(۴)، (۶۲-۴۹)، DOI: 10.48308/ESRJ.2022.102411

مقدمه

اصطلاح نهاد در رشته‌های مختلف به‌طور متعددی مورد استناد قرار گرفته است (نصراللهی آذر و همکاران، ۱۳۹۷) با این حال دیرینه‌شناسی واژه نهاد نشان می‌دهد که نخستین بار توسط گیامباتیستا ویکو به کار گرفته شد (Hodgson, 2006) و پس از آن در ادبیات علمی متداول گشت تا جایی که بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی نیز این واژه را در ادبیات علمی خود به خصوص در مواجهه با رهیافت توسعه استفاده نمودند (Jameson, 2006). نهادگرایی در عرصه عمل در برخی از کشورها از جمله در آمریکا به قرن ۱۹ بازمی‌گردد اما اوج تکامل آن به بعد از ۱۹۴۵ مربوط است و تا امروز نیز ادامه دارد (Cruz and Almeida, 2020). نهادها را می‌توان به عنوان سازمان‌های رسمی و حتی غیررسمی مانند مراکز دولتی، شرکت‌ها و انجمن‌های داوطلبانه و اشکال گسترده‌تری از عادات، قوانین و ارزش‌هایی که شکل می‌گیرند و تعمیم می‌یابند، تعریف کرد (Mackinnon, 2020). ویلن معتقد است، نهادها "آن دسته از عادات تثبیت‌شده فکری هستند که در بین عموم انسان‌ها مشترک هستند" او همچنین با بیانی مشابه مطرح می‌کند که "نهادها محصول عادات هستند: ویلن در یکی دیگر از آثار خود و در راستای تأکید بر مفهوم عادت، پیشرفت در نهادها و خصلت‌های انسانی را پیامد انتخاب طبیعی مناسب‌ترین عادات و اندیشه‌ها و نیز نتیجه فرآیند تطابق اجباری با محیط در حال تحول در نظر می‌گیرد (مشهدی، ۱۳۹۲). کاوز بیان می‌کند که نهادها به منزله بدنه علم اقتصاد هستند. همچنان که مطالعه جریان خون بدون بدن انسان امکان‌پذیر نمی‌باشد، مطالعه علم اقتصاد بدون در نظر گرفتن نهادها قابل تصور نیست (متوسلی و فتح اللهی، ۱۳۸۹). نهادها به معنای "منابع و قواعد"، "دلالت و مشروعیت"، "ساختارهای معنا"، "فعالیت‌های رسمی و غیررسمی"، "الگوهای رفتار"، "فرایندها" و "آداب و رسوم" است. نهادها الگوهای اخلاقی و شناختی را برای تفسیر و عمل فراهم می‌کنند (Verma, 2007). نهادها چیزی نیستند جز عادات فکری رایج که به مثابه هنجارهای هدایت‌کننده رفتار از مقبولیت عامه برخوردار شده‌اند. مفاهیم اجتماعی در قالب نهادها به عنوان یک مرجع هنجاری خاص برای افراد محسوب می‌شوند. استفاده روزمره این مفاهیم توسط تمامی افراد یک گروه

اجتماعی موجب می‌شود الگوهای مشترکی در آنها بدون دخالت دانش‌شان شکل بگیرد و گه‌گاه بر سر راه کسانی که علاقه دارند با شیوه‌های اصلی (اولیه) کار کنند مانع ایجاد شود (Michell, 2010). در این مساله توافق جمعی وجود دارد که ماهیت نهادهای داخلی هر کشوری، نقش حیاتی در تحقق توسعه یا گریز از آن را دارد (Schandl et al, 2016) و بسیاری از تحقیقات داخلی نیز نشان داده که نهادها در تامین اهداف توسعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند (صبغی و بحرینی، ۱۳۹۹؛ نادری و همکاران، ۱۳۹۸؛ پیرمردیان و همکاران، ۱۳۹۸). به عبارت دیگر، نهادها نقش کلیدی در توسعه جوامع دارند زیرا قواعد بازی را شکل می‌دهند و این قواعد مستلزم فرایندهایی است که اقتصاد سیاسی کشورها را متأثر می‌سازد (Wiig and Kolstad, 2009). آنچه که موجب رفتار دوگانه نهادها می‌شود ظرفیت نهادی است. باید بیان کرد که ظرفیت نهادی یا ظرفیت‌سازی نهادی از جمله مفاهیمی است که طیف گسترده‌ای از کارشناسان و متخصصان برای بسیج نمودن تمامی منابع جمعی و فردی به آن رجوع می‌کنند (Brown, 2008) و آن را عامل اصلی توسعه به خصوص از جنبه اقتصادی می‌پندارند (Bradley, 2022). ظرفیت نهادی به عنوان یکی از ابزارهای اصلی سیاستی، برای پیشبرد توسعه و به ویژه توسعه شهرها و رفتار رقابتی بین آنها مورد توجه جدی قرار گرفته است و عمدتاً در چارچوب رویکرد نهادی و در درون ظرفیت نهادی خلاصه شده است (چراغی و همکاران، ۱۴۰۰). بنابراین ظرفیت نهادی از اساسی‌ترین رهیافت‌های توسعه اجتماعات انسانی به شمار می‌رود و مادامی که ظرفیت‌سازی در نهادها صورت نگیرد در توانایی نهادها به دیده تردید باید نگریست (de Meene, 2008; European Commission, 2005). بر همین اساس در بحث نهادگرایی غالباً مطالعات به سمت راهکارهای ایجاد و ارتقای ظرفیت در نهادها متمرکز است تا از طریق آن اهداف توسعه پایدار در مقیاس‌های مختلف محقق گردد زیرا ظرفیت نهاد منجر به افزایش ظرفیت‌سازی، کوشش و انطباق‌پذیری شهروندان خواهد شد و بستر توسعه را فراهم می‌نماید (Bossio et al, 2021). در چارچوب رویکرد توسعه پایدار؛ توسعه محلی و منطقه‌ای باید همزمان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی صورت گیرد و توسعه در این عرصه، پایدار باشد به همین دلیل است که

شکل گرفتن نهادگرایی جدید به‌عنوان پارادایم غالب توسعه و پایداری منطقه‌ای، در درون آن سیاست‌ها و ابزارهای متنوعی برای برخورد با مشکلات گوناگون در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی ارائه شده است (اسکندرثانی و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین می‌توان گفت بذر کنونی اندیشه نهادی و بهره‌گیری از ظرفیت آن که امروزه به اوج خود رسیده است از نیمه دوم قرن بیستم است و حضور صاحب‌نظران این اندیشه در میان برندگان جایزه نوبل بر جایگاه و اهمیت این رویکرد در ادبیات توسعه پایدار دلالت دارد (نایب، ۱۳۹۵) به همین دلیل ضرورت بررسی این مفهوم در نیل به پایداری اجتماعات انسانی از مبرم به نظر می‌رسد. در کشور ایران اندیشه نهادگرایی و ارتباط آن با توسعه پایدار در یک دهه اخیر ظهور کرده و همواره بر چالش‌های آن تاکید شده است (کازمیان و همکاران، ۱۳۹۲؛ ملایی و همکاران، ۱۴۰۰؛ لاله‌پور، ۱۳۹۶؛ گلچینی و خضرنژاد، ۱۳۹۷، اسکندرثانی و همکاران، ۱۳۹۷) بر همین اساس و در جهت جهش این اندیشه، در این پژوهش شهرستان‌های بجنورد و راز و جرگلان در استان خراسان شمالی به عنوان دو نمونه مطالعاتی با درجات مختلف توسعه انتخاب شده‌اند تا رابطه اقدامات و ظرفیت‌های نهادی بر ابعاد مختلف توسعه از دیدگاه مردم کندوکاو گردد این پژوهش با بهره‌گیری از مولفه‌های نهادی و توسعه‌ای درصدد است تا با شاخص‌های جدیدتر و انتخاب نمونه‌های دقیق‌تر به کنکاش این پدیده بپردازد و پیوند میان ظرفیت بالفعل نهادها از منظر کارکنان نهادی و اقدامات عملی این نهادها در راستای توسعه پایدار منطقه‌ای از منظر جامعه محلی را برقرار سازد.

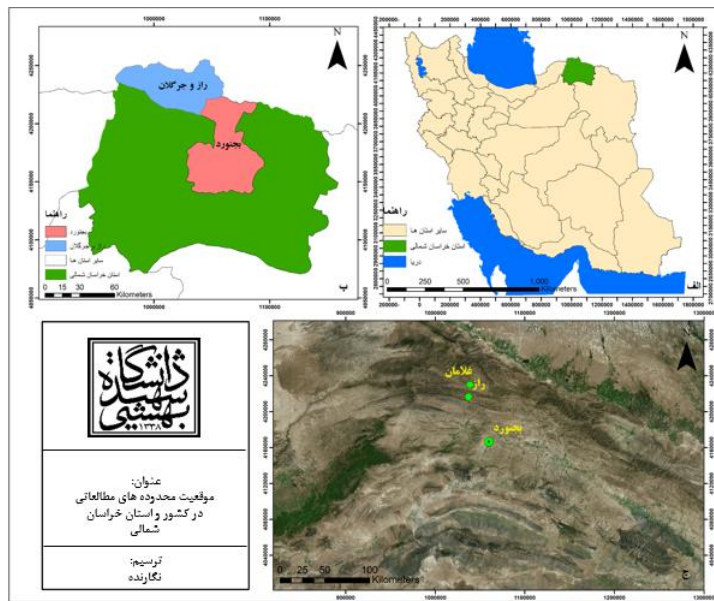
منطقه مورد مطالعه

شهرستان بجنورد به مرکزیت شهر بجنورد، بخش‌های مرکزی و شمالی استان خراسان شمالی را به خود اختصاص داده و از شمال با کشور ترکمنستان، از شرق به شهرستان شیروان، از غرب به شهرستان مانه و سملقان و از جنوب به شهرستان‌های اسفراین و جاجرمد محدود می‌شود. همچنین شهرستان راز و جرگلان به مرکزیت شهر راز، بخش‌های شمال و شمال‌غربی استان خراسان شمالی را به خود اختصاص داده و از شمال با کشور ترکمنستان، از شرق به شهرستان شیروان، از غرب به شهرستان مانه و سملقان و

توسعه پایدار در مقیاس‌های گوناگون جغرافیایی از اصلی‌ترین اهداف جامعه انسانی در هزاره سوم می‌باشد که در تعریف آن بیان می‌کنند که رشد اقتصادی طولانی‌مدت باید از بهره‌برداری بیش از حد از منابع و تخریب محیط‌زیست جدا شود (Baker, 2007; Hoballah et al, 2012; Panel et al, 2011; Schandl et al, 2016). به‌طور کلی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی سه بعد متمایز و در عین حال به‌هم پیوسته در مفهوم توسعه پایدار به‌شمار می‌آید (Finkbeiner et al, 2010) که به طرق مختلف تلاش می‌شود شکوفایی همه آن‌ها محقق گردد. یکی از رهیافت‌های به بار نشستن توسعه پایدار در جوامع، کاربست نهادها و بهره‌گیری از ظرفیت آنها است تا جایی که امروزه ظرفیت نهادی به‌عنوان سیاست و ابزار اصلی رویکرد نهادی در توسعه منطقه‌ای دیده می‌شود (کازمیان و همکاران، ۱۳۹۱) که به معنای توانایی یک نهاد در تحقق اهداف اجتماعی تعبیر می‌شود (Frank, 1999). باید توجه داشت که پایداری به عنوان یک اصل اساسی و راهنما در برنامه‌ریزی شهری مستلزم یک جهت‌گیری بنیادین در عقلانیت‌هایی است که بر جنبه‌های گسسته زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در جوامع حاکم است. نهادها در امر هدایت فعالیت‌های اداری و مدیریتی، در تلاش برای تسریع در تحقق آرمان‌های پایداری و اجرای پروژه‌های مرتبط هستند و با اشکال جدیدی از رهبری چندمرکزی تلاش دارند بازیگران و کنشگران مختلف را در این فرایند درگیر کند (Bridges, 2016). ظرفیت سازی کمک می‌نماید تا دانش، مهارت و قدرت حل مساله در نهادها به جهت مدیریت صحیح و تداوم توسعه پایدار تقویت شود (Chapman, 2001). رهیافت نهادی صرفاً وابسته به یک مقیاس جغرافیایی خاص نیست و در هر کدام از سطوح فضایی می‌تواند کارگزار توسعه قلمداد گردد و متناسب با سطوح نیاز به منابع یا ظرفیت‌های درونی دارد (Wang et al, 2017; Sence and Korthals, 2008). با این حال چالش‌های اساسی در بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهادی همواره وجود دارد که به خصوص در جوامع کمتر توسعه یافته اهداف توسعه پایدار را بیش از پیش به مخاطره انداخته است (نصراللهی آذر و همکاران، ۱۳۹۷). باید دقت کرد که نهادگرایی در راستای پایداری یا عدم پایداری یک فضای جغرافیایی فقط یک ایده تحلیلی نیست، بلکه از زمان

جرگلان ۲۹۸۷۲ نفر زن و ۲۹۳۳۸ نفر از ترکیب جمعیتی شهرستان را مردان تشکیل می‌دهد. همچنین تعداد ۹۴۴۵۷ خانوار در شهرستان بجنورد و ۱۵۹۰۳ خانوار در شهرستان راز و جرگلان ساکن هستند. نسبت جنسی در شهرستان بجنورد ۱۰۱ و در شهرستان راز و جرگلان ۹۸ می‌باشد. در جدول ۱ اطلاعات مربوط به سال ۱۳۹۵ به صورت تطبیقی با دو دوره سرشماری قبل تر یعنی ۱۳۹۰ و ۱۳۸۵ ارائه شده است.

استان گلستان و از جنوب به شهرستان‌های بجنورد و مانه و سملقان محدود می‌شود (سالنامه آماری استان خراسان شمالی، ۱۳۹۵). ساختار جمعیتی شهرستان‌های مورد مطالعه در سال ۱۳۹۵ گویای آن است که شهرستان بجنورد با ۳۲۴۰۸۳ نفر جمعیت نسبت به راز و جرگلان با ۵۹۲۱۰ بسیار بزرگ‌تر است. ساختار جنسی جمعیت نشان می‌دهد که در شهرستان بجنورد ۱۶۱۳۰۵ نفر را زنان و ۱۶۲۷۷۸ را مردان شکل می‌دهد. در شهرستان راز و



شکل ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان‌های مورد مطالعه

جدول ۱: جمعیت و خانوار بر حسب گروه‌های جنسی در سال ۱۳۹۵

نسبت جنسی	خانوار	مرد	زن	جمعیت	محدوده-سال
۱۰۱	۹۴۴۵۷	۱۶۲۷۷۸	۱۶۱۳۰۵	۳۲۴۰۸۳	۱۳۹۵
۱۰۱	۸۶۰۱۶	۱۵۳۹۶۴	۱۵۲۸۹۸	۳۰۶۸۶۲	۱۳۹۰ بجنورد
۱۰۰	۶۷۱۰۵	۱۳۶۲۵۸	۱۳۵۷۱۹	۲۷۱۹۷۷	۱۳۸۵
۹۸	۱۵۹۰۳	۲۹۳۳۸	۲۹۸۷۲	۵۹۲۱۰	۱۳۹۵ راز و جرگلان
۹۶	۱۴۹۹۲	۲۸۸۹۴	۳۰۱۴۰	۵۹۰۳۴	۱۳۹۰
۹۸	۱۳۰۰۹	۲۷۹۲۴	۲۸۵۹۵	۵۶۵۱۹	۱۳۸۵

(منبع: سالنامه آماری استان خراسان شمالی، ۱۳۹۵)

تعداد در شهرستان بجنورد ۵۴ آبادی خالی از سکنه است. تعداد آبادی خالی از سکنه در راز و جرگلان کمتر از بجنورد می‌باشد به گونه‌ای که تعداد آن در سال ۱۳۹۵ به ۱۵ آبادی می‌رسد. در بجنورد تعداد آبادی‌های خالی از سکنه بالغ بر ۳۰ درصد کل آبادی‌ها است که از این منظر می‌توان بیان کرد که روند کنونی نگران‌کننده است و نیمرخ وضعیت

بررسی تقسیمات فضایی شهرستان‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که شهر بجنورد دارای ۲ بخش و ۳ شهر است اما راز و جرگلان دارای ۳ بخش و ۱ شهر می‌باشد. تعداد ۵ دهستان در شهرستان بجنورد و ۶ دهستان در شهرستان راز و جرگلان وجود دارد. تعداد ۱۹۶ آبادی در بجنورد و ۸۷ آبادی در راز و جرگلان شناسایی شده است که از این

جامعه مبدا، روند مهاجرت‌ها بر جوامع مقصد نیز تاثیرگذار است و اگر ظرفیت‌های مناسب با آن ایجاد شده باشد به روند ناپایداری‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و مسکن دامن خواهد زد.

فعلی گویای آن است که مهاجرت‌های روستا- شهری در شهرستان مذکور تاثیر قابل توجهی بر جوامع مبدا برجای گذاشته است که به همین ترتیب می‌تواند فعالیت‌های اقتصادی از جمله کشاورزی و باغداری و مشاغل وابسته به آن را نیز در کوتاه‌مدت و درازمدت متاثر سازد. علاوه بر

جدول ۲: تقسیمات فضایی شهرستان‌های مورد مطالعه

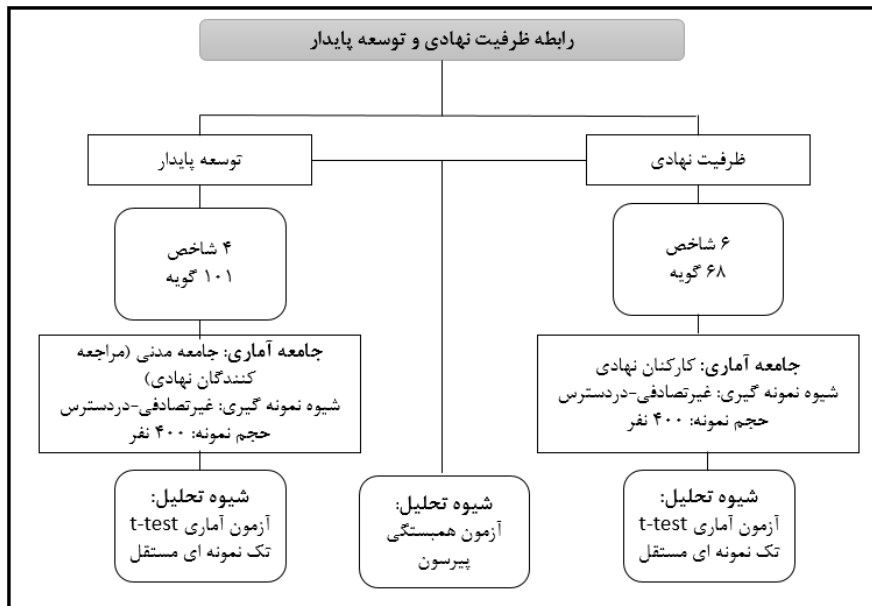
تعداد آبادی			تعداد دهستان	تعداد شهر	محدوده	
خالی از سکنه	دارای سکنه	جمع				
۳۶	۹۷	۱۲۳	۳	۲	مرکزی	بجنورد
۱۸	۵۵	۷۳	۲	۱	گرمخان	
۰	۳۵	۳۵	۲	۰	جرگلان	
۱۵	۲۳	۳۸	۲	۱	مرکزی	راز و
۰	۱۴	۱۴	۲	۰	غلامان	جرگلان

(منبع: سالنامه آماری استان خراسان شمالی، ۱۳۹۵)

لازم است اما جهت افزایش روایی و پایایی پژوهش، تعداد پرسشنامه‌ها ارتقا یافت ضمن آنکه در راستای بررسی تطبیقی؛ تعداد ۵۳ پرسشنامه مخدوش به دست آمد که این پرسشنامه‌ها از فرایند تحلیل تطبیقی حذف شدند و مجدداً ۵۳ پرسشنامه جدید اضافه شد. لازم به ذکر است بیان گردد که در توزیع پرسشنامه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی-در دسترس تلاش شد تا توزیع نسبتاً یکسانی میان گروه‌های سنی و جنسی، تحصیلی و ... در هر کدام از مناطق مورد مطالعه وجود داشته باشد ضمن آن که یکسان-سازی ویژگی نمونه‌ها در هر دو محدوده نیز تا حدودی مورد توجه بوده است. لازم به ذکر است که آلفای کرونباخ ۳۰ پرسشنامه ابتدایی مورد محاسبه قرار گرفت که به مقدار ۰/۸۲۱ محاسبه شد. این عدد نشان‌دهنده پایایی بالای سوالات پژوهش است. پس از بررسی ظرفیت نهادی در دو شهرستان؛ اقدامات توسعه‌ای آنان از منظر جامعه مدنی (مراجعه کنندگان به نهادها) مورد بررسی قرار گرفت که در این بخش نیز تعداد ۴۰۰ پرسشنامه به شیوه غیرتصادفی-در دسترس تکمیل شد همچنین بررسی آلفای کرونباخ پرسشنامه جامعه مدنی به مقدار ۰/۷۸۳ به دست آمد. در شکل ۲ مراحل و مشخصات انجام بخش میدانی پژوهش مشخص شده است.

مواد و روش‌ها

روش پژوهش توصیفی-همبستگی از لحاظ هدف کاربردی- عملی می‌باشد. داده‌ها و اطلاعات در دو سطح کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. در بخش کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات مربوط به مقدمه، مبانی نظری، پیشینه پژوهش و شناخت محدوده بهره‌گرفته شده است و در بخش میدانی با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخت، داده‌های خام گردآوری شد و سپس با وارد کردن آن در نرم‌افزار SPSS و با بهره‌گیری از آزمون‌های آماری t-test تک نمونه‌ای مستقل و همچنین آزمون همبستگی پیرسون ارتباط میان متغیرهای مستقل (ظرفیت نهادی) و وابسته (توسعه پایدار) محاسبه شد. مولفه‌های ظرفیت نهادی دارای ۶ شاخص و ۶۸ گویه است همچنین مولفه‌های توسعه پایدار در ۴ شاخص و ۱۰۱ گویه طراحی شده است. جهت بررسی ظرفیت نهادی در هر دو شهرستان از جامعه آماری کارکنان نهادی (در بخش دولتی) استفاده شد زیرا این گروه بیشترین اشراف و آگاهی را نسبت به ظرفیت‌های قانونی، مقرراتی، سیاستی و اجرایی نهادها دارند که تعداد ۴۰۰ پرسشنامه سالم توسط آنان تکمیل شد. با توجه به اینکه تعداد کارکنان نهادی در نهادهای دولتی شهرستان‌ها نامشخص بود با فرض جامعه نامحدود توسط فرمول کوکران تعداد ۳۸۶ پرسشنامه



شکل ۲: مراحل انجام بررسی‌ها و تحلیل‌های میدانی پژوهش

توزیع شده است. در جدول ۳ به فهرستی از نهادها اشاره شده است که در هر دو شهرستان فعال هستند و پرسشنامه در میان آنان توزیع شده است. لازم به ذکر است که فهرست زیر همه نهادهای دولتی را در بر نمی‌گیرد و صرفاً نهادهایی مورد اشاره قرار گرفته است که پرسشنامه در میان آنان توزیع شده است.

سه بخش اصلی نهادهای موجود در شهرستان‌های مورد مطالعه شامل بخش دولتی، خصوصی و تعاونی‌ها است با این حال بخش حاکمیتی (نظیر کمیته امداد) و عمومی (نظیر شهرداری) نیز نقش بی‌بدیلی در توسعه دارند اما به دلیل محدودیت‌های زمانی و مالی این پژوهش، صرفاً بر نهادهای دولتی تأکید می‌شود و پرسشنامه‌ها در میان کارکنان نهادهای دولتی و مراجعه‌کنندگان به این نهادها

جدول ۳: نهادهای دولتی مورد مطالعه در پژوهش

بجنورد	راز و جرجان
استانداری، اداره کل مدیریت بحران، اداره کل راه و شهرسازی، جهاد کشاورزی، حفاظت محیط زیست، بهزیستی، فرمانداری، بانک مسکن، سازمان آتش‌نشانی.	جهاد کشاورزی، حفاظت محیط زیست، بهزیستی، فرمانداری، بانک مسکن، بانک کشاورزی، بانک ملی، سازمان آتش‌نشانی.

بحث و نتایج

ویژگی جمعیت شناختی اعضای نمونه

ویژگی جمعیت‌شناختی اعضای نمونه در دو بخش کارکنان نهادی جهت سنجش ظرفیت نهادی و جامعه مردمی جهت بررسی اقدامات توسعه‌ای نهادها ارائه شده است. در هر دو شهرستان اعضای نمونه مردان بیش از زنان است در شهرستان بجنورد ۵۹/۲۵ و در شهرستان راز و جرجان ۶۶ درصد از اعضای نمونه را مردان به خود اختصاص داده‌اند. در شهرستان بجنورد ۵۶ درصد از کارکنان نهادی بین ۴۵-۲۵ سال سن دارند و که این عدد برای شهرستان راز و جرجان ۶۲/۷۵ درصد است. در هر دو شهرستان حدود

دوسوم پرسش‌شوندگان متاهل هستند. جمعیت شاغلین با مدرک لیسانس در هر دو شهرستان بیش از ۵۰ درصد است در حالی که در شهرستان بجنورد ۱۸ درصد و شهرستان راز و جرجان ۲۲/۷۵ درصد آنان دارای مدرک تحصیلی کمتر از لیسانس هستند. بررسی سابقه کاری نشان می‌دهد که تقریباً توزیع یکسانی بین دوره خدمت وجود دارد با این حال کارکنان نهادی در شهرستان بجنورد از تجربه بیشتری (به لحاظ تعداد سال‌های کاری) نسبت به شهرستان راز و جرجان برخوردارند به طوری که در این شهرستان ۱۰/۵۰ درصد از کارکنان دارای پایه خدمت کمتر از ۲ سال هستند در حالی که در شهرستان راز و جرجان این عدد به ۱۶/۵۰

نیروی انسانی نهادها تا حدودی از یک الگوی یکسان پیروی می‌نماید و تفاوت‌های جزئی در آن نیز کاملاً طبیعی به حساب می‌آید.

درصد می‌رسد. بررسی نوع اشتغال نیز نشان می‌دهد که تفاوت آشکاری از لحاظ نوع استخدام کارکنان وجود ندارد و هر چهار طیف استخدامی به نسبت تقریباً یکسانی در نهادها توزیع شده‌اند. در نهایت باید عنوان کرد که ظرفیت

جدول ۴: ویژگی اعضای نمونه (کارکنان نهادی) جهت سنجش ظرفیت نهادی

راز و جرگلان		بجنورد		ویژگی‌ها	
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۳۴	۱۳۶	۴۰/۷۵	۱۶۳	زن	جنس
۶۶	۲۶۴	۵۹/۲۵	۲۳۷	مرد	
۳/۵۰	۱۴	۲/۷۵	۱۱	۱۸-۲۴ سال	سن
۶۲/۷۵	۲۵۱	۵۶	۲۲۴	۲۵-۴۵ سال	
۲۴/۵۰	۹۸	۳۰/۷۵	۱۲۳	۴۶-۶۴ سال	وضعیت تاهل
۹/۲۵	۳۷	۱۰/۵۰	۴۲	بیش از ۶۴ سال	
۳۵/۲۵	۱۴۱	۳۱/۵۰	۱۲۶	مجرد	تحصیلات
۶۴/۷۵	۲۵۹	۶۸/۵۰	۲۷۴	متاهل	
۲۲/۷۵	۹۱	۱۸	۷۲	کمتر از لیسانس	سابقه کار
۵۲/۲۵	۲۰۹	۵۴/۷۵	۲۱۹	لیسانس	
۱۹/۵۰	۷۸	۲۰/۷۵	۸۳	فوق لیسانس	نوع اشتغال
۵/۵۰	۲۲	۶/۵۰	۲۶	دکتری	
۱۶/۵۰	۶۶	۱۰/۵۰	۴۲	کمتر از ۲ سال	سابقه کار
۲۳	۹۲	۲۳/۷۵	۹۵	۲-۵ سال	
۲۳/۷۵	۹۵	۲۴/۵۰	۹۸	۵-۱۰ سال	نوع اشتغال
۱۹/۵۰	۷۸	۲۱/۷۵	۸۷	۱۰-۱۵ سال	
۱۷/۲۵	۶۹	۱۹/۵۰	۷۸	بیش از ۱۵ سال	نوع اشتغال
۲۱	۸۴	۱۸/۷۵	۷۵	قراردادی	
۳۴/۷۵	۱۳۹	۳۱/۷۵	۱۲۷	پیمانی	نوع اشتغال
۴۳/۲۵	۱۷۳	۴۵/۵۰	۱۸۲	رسمی	
۱	۴	۴	۱۶	سایر	

۱ میلیون تومان می‌باشند. ۶۹/۵۰ درصد از اعضای نمونه در شهرستان بجنورد در شهر سکونت دارند اما این عدد در شهرستان راز و جرگلان ۵۷/۲۵ می‌باشد. بخش قابل توجهی از مراجعه کنندگان نهادی در شهرستان راز و جرگلان را ساکنین روستایی با ۳۸ درصد به خود اختصاص داده‌اند. در نهایت باید عنوان کرد که بافت اقتصادی-اجتماعی مشترک در دو شهرستان موجب گشته در بسیاری از ویژگی‌ها، الگوی یکسانی بین هر دو شهرستان وجود داشته باشد با این حال تفاوت‌های مشهودی از حیث محل سکونت پرسش‌شوندگان و میزان درآمد خانوارها وجود دارد که می‌تواند متاثر از درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های مذکور باشد.

جامعه مدنی مراجعه‌کننده به نهادها در هر دو شهرستان غالباً از گروه جنسی مردان و در سن ۴۴-۴۶ سال هستند. این روند در مورد وضعیت تاهل نیز صادق است به گونه‌ای که در شهرستان‌های بجنورد و راز و جرگلان به ترتیب ۷۰/۵۰ و ۷۵/۷۵ درصد از اعضای نمونه را متاهلین تشکیل می‌دهند. در شهرستان راز و جرگلان ۴۰/۷۵ درصد از مراجعه‌کنندگان نهادی دارای مدرک تحصیلی لیسانس هستند در حالی که این عدد با اندکی اختلاف در شهرستان بجنورد ۳۹ درصد می‌باشد. میزان درآمد اغلب خانوارها در هر دو شهرستان بین ۲ الی ۴ میلیون تومان می‌باشد با این حال در شهرستان بجنورد ۱۴ درصد و در شهرستان راز و جرگلان ۲۱ درصد از خانوارها دارای درآمد ماهیانه کمتر از

جدول ۵: ویژگی اعضای نمونه (جامعه مدنی) جهت بررسی اقدامات توسعه‌ای نهادها

راز و جرگلان		بجنورد		ویژگی‌ها	
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۲۸/۲۵	۱۱۲	۳۵/۲۵	۱۴۱	زن	جنسیت
۷۱/۷۵	۲۸۷	۶۴/۷۵	۲۵۹	مرد	
۱۶/۲۵	۶۵	۱۴	۵۶	۱۸-۲۴ سال	سن
۳۱/۲۵	۱۲۵	۳۴/۲۵	۱۳۷	۲۵-۴۵ سال	
۳۵/۵۰	۱۴۲	۳۹/۷۵	۱۵۹	۴۶-۶۴ سال	وضعیت تاهل
۱۷	۶۸	۱۲	۴۸	بیش از ۶۴ سال	
۲۴/۲۵	۹۷	۲۹/۵۰	۱۱۸	مجرد	تحصیلات
۷۵/۷۵	۳۰۳	۷۰/۵۰	۲۸۲	متاهل	
۳۴	۱۳۶	۳۲	۱۲۸	کمتر از لیسانس	میزان درآمد خانوار
۴۰/۷۵	۱۶۳	۳۹	۱۵۶	لیسانس	
۱۷/۷۵	۷۱	۱۹/۷۵	۷۹	فوق لیسانس	
۷/۵۰	۳۰	۹/۲۵	۳۷	دکتری	محل سکونت
۲۱	۸۴	۱۴	۵۶	کمتر از ۱ میلیون تومان	
۲۸/۲۵	۱۱۳	۲۱/۷۵	۸۷	۱ الی ۲ میلیون تومان	
۳۹/۲۵	۱۵۷	۴۰/۷۵	۱۶۳	۲ الی ۴ میلیون تومان	
۸	۳۲	۱۴/۵۰	۵۸	۴ الی ۶ میلیون تومان	میزان درآمد خانوار
۳/۵۰	۱۴	۹	۳۶	بیش از ۶ میلیون تومان	
۵۷/۲۵	۲۲۹	۶۹/۵۰	۲۷۸	شهر	محل سکونت
۳۸	۱۵۲	۲۴	۹۶	روستا	
۳/۲۵	۱۵	۵/۲۵	۲۱	هر دو	
۱	۴	۱/۲۵	۵	سایر	

۲/۴۱ و ۲/۳۱ دارای کمترین امتیاز کل است که پس از آن منابع حیاتی به ترتیب با میانگین ۲/۴۲ و ۲/۳۲ قرار دارد که کمترین امتیاز را پس از منابع دانشی به دست آورده است. همچنین باید بیان کرد که سطح خطا در تمامی مولفه‌ها به مقدار ۰/۰۰۰ به دست آمده است و می‌توان با سطح اطمینان ۹۵ درصد به معناداری میانگین‌ها اطمینان کرد.

ظرفیت نهادی در شهرستان‌های مطالعاتی از منظر کارکنان نهادی: یافته‌های بخش نخست پژوهش در ارتباط با ظرفیت نهادی که از مجموع ۶۸ گویه استخراج شده است نشان می‌دهد که در شهرستان بجنورد مولفه منابع پشتیبان با امتیاز کل ۳/۱۰ در سطح متوسط روبه بالا قرار دارد اما در سایر مولفه‌ها در هر دو شهرستان امتیازات کل کمتر از حد متوسط ۳ ارزیابی شده است. مولفه منابع دانشی در هر دو شهرستان بجنورد و راز و جرگلان به ترتیب با میانگین‌های

جدول ۶: مقایسه تطبیقی مولفه‌های ظرفیت نهادی در شهرستان‌های مورد مطالعه

اختلاف کرانه‌ها	سطح پائین	میانگین	سطح خطا Sig. (2-tailed)	آماره t	محدوده‌ها	مولفه‌ها
۲/۷۹	۲/۷۰	۲/۷۵	۰/۰۰۰	۱۱۷/۱۷۱	بجنورد	منابع مادی
۲/۵۸	۲/۴۵	۲/۵۲	۰/۰۰۰	۷۹/۶۹۶	راز و جرگلان	
۲/۶۵	۲/۵۹	۲/۶۲	۰/۰۰۰	۱۷۰/۵۷۵	بجنورد	منابع انسانی
۲/۵۶	۲/۴۸	۲/۵۲	۰/۰۰۰	۱۲۰/۵۴۵	راز و جرگلان	
۲/۴۵	۲/۴۰	۲/۴۲	۰/۰۰۰	۱۷۱/۲۱۷	بجنورد	منابع حیاتی
۲/۳۶	۲/۲۹	۲/۳۲	۰/۰۰۰	۱۲۴/۹۵۲	راز و جرگلان	
۳/۱۷	۳/۰۲	۳/۱۰	۰/۰۰۰	۷۹/۵۳۷	بجنورد	منابع پشتیبان
۲/۹۸	۲/۸۲	۲/۹۰	۰/۰۰۰	۷۱/۹۰۳	راز و جرگلان	
۲/۴۵	۲/۳۶	۲/۴۱	۰/۰۰۰	۱۱۶/۰۲۶	بجنورد	منابع دانشی
۲/۳۶	۲/۲۷	۲/۳۱	۰/۰۰۰	۹۷/۶۲۴	راز و جرگلان	

۲/۵۵	۲/۴۶	۲/۵۰	۰/۰۰۰	۱۰۵/۹۴۶	بجنورد
۲/۴۶	۲/۳۵	۲/۴۰	۰/۰۰۰	۸۷/۰۲۰	راز و جرگلان منابع ارتباطی

است گویای آن است که در هیچکدام از مولفه‌ها، اقدامات نهادی در سطح مطلوبی قرار ندارد و این میانگین‌ها با سطح اطمینان ۹۵ درصد قابل تایید است. متغیرهای زیر علاوه بر نشان دادن اقدامات نهادی، به نوعی بیانگر ظرفیت نهادها در باب توسعه درون و برون نهادی نیز می‌باشد این ظرفیت از روینایی‌ترین موارد (شامل مولفه‌های ارتباطی، تخصص و دانشی) تا زیربنایی‌ترین موارد (شامل اقدامات عملی) را در بر می‌گیرد. مقایسه تطبیقی دو شهرستان نیز حاکی از آن است که نهادهای شهرستان بجنورد تا حدودی عملکرد مطلوب‌تری را نسبت به نهادهای راز و جرگلان دارند گرچه عدم مطلوبیت هر دو آشکار است. میانگین کل اقدامات توسعه‌ای نهادی در شهرستان بجنورد ۲/۴۴ و در شهرستان راز و جرگلان ۲/۳۷ می‌باشد که با سطح اطمینان ۹۵ درصد و سطح آلفای ۵ درصد می‌توان معناداری و تفاوت‌های به دست آمده را در سطح خطای ۰/۰۰۰ درصد تایید نمود.

در شهرستان بجنورد میانگین مولفه‌های ظرفیت نهادی برابر با ۲/۶۳ و در شهرستان راز و جرگلان ۲/۴۴ می‌باشد. می‌توان اذعان کرد که نهادهای متولی توسعه در شهرستان‌های مطالعاتی نتوانسته‌اند ظرفیت‌های مناسب را ایجاد کنند و به زعم کارکنان نهادی که بیشترین آگاهی را نسبت به ظرفیت نهادهای خود دارند چالش اساسی در حوزه برنامه‌ریزی و اقدام عملی وجود دارد تا جایی که میانگین مولفه‌ها در هر دو شهرستان بین ۲ الی ۳ متغیر است. در این زمینه لازم است تا بازتعریف مشخصی از وظایف نهادی و شیوه‌های کنشگری آنان صورت گیرد که علاوه بر به حداکثر رساندن ظرفیت بالقوه نهادها، بر مدار توسعه پایدار منطقه‌ای تاکید نماید زیرا زیست‌مابه توسعه از کنشگری ظرفیت نهادها نشأت می‌گیرد و تا زمانی که ظرفیت ایجاد نگردد و این ظرفیت به بهره‌برداری نرسد نمی‌توان چشم انداز مثبتی برای تحقق توسعه متصور شد.

بررسی اقدامات توسعه‌ای نهادها از منظر جامعه مدنی: یافته‌های حاصل شده از جدول ۷ که مستخرج از ۱۰۱ گویه

جدول ۷: بررسی اقدامات توسعه‌ای نهادها از منظر جامعه مدنی

اختلاف کرانه‌ها		میانگین	سطح خطا Sig. (2-tailed)	متغیر	محدوده‌ها
سطح بالا	سطح پایین				
۲/۵۵	۲/۴۵	۲/۵۰	۰/۰۰۰	ارتباطی، تخصصی و دانشی	بجنورد
۲/۵۳	۲/۴۳	۲/۴۹	۰/۰۰۰	ارتباطی، تخصصی و دانشی	راز و جرگلان
۲/۴۶	۲/۳۳	۲/۴۰	۰/۰۰۰	پیشرفت منطقه‌ای	بجنورد
۲/۳۶	۲/۲۴	۲/۳۱	۰/۰۰۰	پیشرفت منطقه‌ای	راز و جرگلان
۲/۴۹	۲/۴۲	۲/۴۵	۰/۰۰۰	مشارکت و همبستگی	بجنورد
۲/۴۰	۲/۳۱	۲/۳۷	۰/۰۰۰	مشارکت و همبستگی	راز و جرگلان
۲/۴۶	۲/۴۲	۲/۴۴	۰/۰۰۰	اقدام عملی	بجنورد
۲/۳۷	۲/۳۱	۲/۳۴	۰/۰۰۰	اقدام عملی	راز و جرگلان

توسعه منطقه‌ای استفاده نشود چشم‌انداز آتی همچنان نگران‌کننده خواهد بود.

رابطه میان میان ظرفیت نهادی و توسعه پایدار منطقه‌ای: شاخص‌های شش‌گانه ظرفیت نهادی که براساس دیدگاه کارکنان مورد سنجش قرار گرفت می‌تواند بر عملکرد نهادها در زمینه اقدامات توسعه‌ای موثر باشد بر همین اساس رابطه میان ظرفیت نهادی و اقدامات نهادی که برگرفته از دیدگاه جامعه مدنی است در این بخش از پژوهش براساس آزمون

نکته قابل توجه از منظر جامعه مدنی صرفاً در ناکارآمدی نهادها قابل بیان نیست بلکه عمق این ناکارآمدی به گونه‌ای است که طیف وسیعی از ابعاد اجتماعی، اقتصادی و به‌طور کلی فضای زیست شهروندان دو شهرستان را در بر گرفته و فاصله آن تا وضعیت متوسط اختلاف مشهودی دارد در این رابطه به نظر می‌رسد تحقق اهداف توسعه در محدوده‌های مطالعاتی به درازا کشیده شود و مادامی که ظرفیت نهادها در گام اول ارتقا نیابد و سپس از این ظرفیت در راستای

بجنورد ارتباط مثبت و معناداری میان ۹ مولفه برقرار است که بالاترین ارتباط بین توسعه ارتباطی و تخصصی با منابع پشتیبان به مقدار ۰/۴۶۵ است. در شهرستان راز و جرگلان نیز بجنورد ارتباط مثبت و معناداری میان ۸ مولفه برقرار است که بالاترین ارتباط بین توسعه ارتباطی و تخصصی با منابع انسانی به مقدار ۰/۴۴۹ است. در جداول ۸ و ۹ به صورت مشروح ارتباط میان مولفه‌ها ارائه شده است.

پیرسون مورد بررسی قرار می‌گیرد. این آزمون کمک می‌نماید تا رابطه واقعی ظرفیت نهادی که کارکنان بیشترین آگاهی را نسبت به آن دارند و اقدامات توسعه که بر زیست شهروندان تاثیرگذار است و مردم بیشترین دانش را نسبت به آن دارند مورد سنجش قرار دهد و پیوند میان نظرات کارکنان و مردم نیز از اصلی‌ترین اهداف این آزمون به شمار می‌رود. یافته‌های این بخش نشان می‌دهد در شهرستان

جدول ۸: رابطه ظرفیت نهادی و توسعه پایدار منطقه‌ای در شهرستان بجنورد

منابع ارتباطی	منابع دانشی	منابع پشتیبان	منابع حیاتی	منابع انسانی	منابع مادی و فیزیکی	مولفه‌های پژوهش
۰/۰۴۶	۰/۰۰۴	**۰/۴۶۵	۰/۰۷۸	**۰/۲۳۳	**۰/۱۵۲	میزان همبستگی
۰/۳۵۸	۰/۹۳۹	۰/۰۰۰	۰/۱۱۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	توسعه ارتباطی و تخصصی
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	تعداد نمونه
۰/۰۰۷	۰/۰۴۷	**۰/۳۶۶	*۰/۱۲۷	**۰/۱۶۳	**۰/۱۳۹	میزان همبستگی
۰/۸۸۳	۰/۳۴۴	۰/۰۰۰	۰/۰۱۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	پیشرفت منطقه‌ای
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	تعداد نمونه
۰/۰۶۴	**۰/۲۰۵	**۰/۲۵۲	۰/۰۲۵	۰/۰۱۷	۰/۱۱۸	میزان همبستگی
۰/۲۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۶۱۲	۰/۷۴۱	۰/۰۱۸	سطح خطا
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	تعداد نمونه
۰/۰۷۹	۰/۰۷۱	۰/۱۰۷	۰/۰۵۶	۰/۰۰۴	۰/۰۲۵	میزان همبستگی
۰/۱۱۳	۰/۱۵۴	۰/۰۳۳	۰/۲۶۱	۰/۹۳۲	۰/۶۲۴	سطح خطا
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	تعداد نمونه

جدول ۹: رابطه ظرفیت نهادی و توسعه پایدار منطقه‌ای در شهرستان راز و جرگلان

منابع ارتباطی	منابع دانشی	منابع پشتیبان	منابع حیاتی	منابع انسانی	منابع مادی و فیزیکی	مولفه‌های پژوهش
۰/۰۸۹	**۰/۱۸۴	۰/۰۹۷	**۰/۳۳۶	**۰/۴۴۹	۰/۰۱۶	میزان همبستگی
۰/۰۷۵	۰/۰۰۰	۰/۰۵۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۷۴۴	توسعه ارتباطی و تخصصی
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	تعداد نمونه
۰/۰۹۶	**۰/۱۶۰	*۰/۱۱۶	**۰/۲۵۷	**۰/۳۵۶	۰/۰۱۴	میزان همبستگی
۰/۰۵۶	۰/۰۰۱	۰/۰۲۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۷۷۵	پیشرفت منطقه‌ای
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	تعداد نمونه
۰/۰۳۹	۰/۰۸۰	۰/۰۵۸	۰/۰۷۰	**۰/۱۵۱	۰/۰۶۳	میزان همبستگی
۰/۴۴۰	۰/۱۱۰	۰/۲۴۶	۰/۱۲۶	۰/۰۰۲	۰/۲۱۰	سطح خطا
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	تعداد نمونه
۰/۰۹۸	۰/۰۷۲	۰/۰۵۳	۰/۰۵۴	۰/۱۱۵	۰/۰۰۲	میزان همبستگی
۰/۰۵۰	۰/۱۵۰	۰/۲۸۹	۰/۲۵۸	۰/۰۲۱	۰/۹۹۶	سطح خطا
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	تعداد نمونه

نهادها موجب ناکارآمدی آنان و تاثیرات ناکافی شده است. بر همین اساس منابع انسانی، منابع حیاتی و منابع دانشی به عنوان سه رکن اصلی و تاثیرگذار بر توسعه می‌بایست بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد و صرف وجود منابع مادی و حتی منابع پشتیبان نمی‌توان تحقق توسعه را

ارتباطی که میان ۱۷ مولفه پژوهش در دو شهرستان وجود دارد نشان می‌دهد که در صورت ارتقای ظرفیت نهادی می‌توان فرایند و نهادینگی توسعه پایدار را محقق ساخت اما در شرایط فعلی به دلیل ظرفیت پایین نهادها این رابطه تاثیر منفی برجای گذاشته به گونه‌ای که ظرفیت پایین

Hagbert, 2020; Bradley, 2022; Tonn, 2014; Fresneda et al, 2018) که به صورت نظری و عملی ارتباط مثبت میان نهادگرایی و توسعه را تبیین می‌کردند نشان می‌دهد که حتی با ظرفیت اندکی که در نهادهای مورد مطالعه وجود دارد توان بهره‌برداری از آن به دلیل ضعف نیروی انسانی اندک است و در این زمینه آموزش نیروی انسانی می‌تواند از اتلاف منابع توسعه جلوگیری نماید. در شهرستان راز و جرگلان به عنوان یکی از محروم‌ترین مناطق استان خراسان شمالی وضعیت به مراتب بحرانی‌تری را نسبت به شهرستان بجنورد به عنوان مرکز استان دارد زیرا یک سو ظرفیت نهادی در آن به شدت پایین است و از سوی دیگر عملکرد نهادها نیز به موازات ظرفیت آنها تاثیرات بسیار اندکی بر روند و نهادینگی توسعه پایدار داشته است گرچه در شهرستان بجنورد نیز این الگو صادق است اما تا حدودی وضعیت آن امیدوارکننده‌تر قلمداد می‌شود و از شهرستان راز و جرگلان مطلوب‌تر است. در این زمینه لازم است تا در گام نخست ظرفیت نهادها به واسطه منابع قانونی، مقرراتی، سیاستی و مالی ارتقا یابد و سپس با نظارت مستمر و بهره‌گیری از نیروهای متخصص و کارآموده در کنار ارتباطات درون‌نهادی و برون‌نهادی همراه با هم‌افزایی و کنشگری همه جانبه نهادها، زمینه‌های بهبود وضعیت کنونی فراهم گردد و تاثیر نهادها به عنوان کارگزاران اصلی توسعه بیش از پیش آشکار شود. برای تحقق این امر، پیشنهادات اجرایی در مورد شهرستان‌های مطالعاتی و با توجه به یافته‌های پژوهش ارائه شده است که می‌تواند در مواجهه با وضعیت فعلی موثر واقع شود. لازم به ذکر است که نتایج این پژوهش در ارتباط با مناطق مطالعاتی است و ممکن است تعمیم‌پذیری آن در مناطق دیگر کشور و جهان قابل تایید نباشد زیرا بسترهای توسعه و درجه توسعه‌یافتگی جوامع و همچنین سیستم‌های اجرایی کشورها در مواجهه با مسائل با توجه به کثرت نهادها متفاوت است.

- ارتقای ظرفیت نهادی با توجه به چالش‌های استخراج شده در این پژوهش
- افزایش یکپارچگی و هم‌افزایی درون و برون‌نهادی جهت جلوگیری از اقدامات موازی کارانه و مداخله‌ای
- تقویت نیروی انسانی و بهره‌گیری از نیروهای متخصص در امور مربوط به آبادانی شهر و روستا

متصور شد زیرا منابع مادی به عنوان بستر و منابع انسانی به عنوان کارگزار توسعه قلمداد می‌شود و تا زمانی که از ظرفیت‌های منابع مادی توسط نیروی انسانی استفاده شایسته‌ای نشود چشم‌انداز آتی رو به بهبودی نخواهد رفت. نکته قابل توجه آن است که در محدوده‌های مورد مطالعه اقلام و ابزارهای سخت‌افزاری (منابع مادی و منابع پشتیبان) به وضعیت مطلوب گرایش محسوسی دارد اما عدم بهره‌برداری مناسب از آن موجب شده که تاثیر اقدامات نهادی بر توسعه ناکافی قلمداد گردد و به نظر می‌رسد که علاوه بر رویکردهای سخت‌افزاری، به رویکردهای نرم‌افزاری (توانمندی نیروی انسانی، مجهز کردن آنان به منابع دانشی، تقویت رهیافت ارتباطی و ...) نیز باید توجه کافی و وافر بشود.

نتیجه‌گیری

هزاره سوم با ناپایداری‌ها و چالش‌های بی‌شماری آغاز شده و پس از دو دهه همچنان عمق و گستردگی این بحران‌ها در حال افزایش است بر همین مبنا فعالیت‌های اجرایی و پژوهشی مختلفی در سرتاسر جهان به بررسی این ناپایداری‌ها پرداخته و در تلاش‌اند تا علاوه بر متوقف کردن آن، زمینه‌های رشد و شکوفایی زیست‌شهروندان کره خاکی را افزایش دهند. یکی از این ناپایداری‌ها در بستر منطقه جغرافیایی و در مقیاس بزرگتر از شهر رخ نموده و آن هم چالش‌های مربوط به توسعه غیرمتوازن و ناپایدار درون منطقه‌ای است که بازتولید آن چشم‌انداز نگران‌کننده‌ای را ترسیم می‌نماید. این پژوهش با درک این چالش در استان خراسان شمالی، به بررسی دو شهرستان بجنورد و راز و جرگلان پرداخته و زمینه‌های ناپایداری را ترسیم نموده است. نتایج مشترک هر دو شهرستان نشان می‌دهد که ظرفیت نهادی به عنوان اصلی‌ترین رهیافت توسعه در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد که در راس آن ظرفیت مربوط به نیروی انسانی و منابع دانشی و ارتباطی است که اهمیت توسعه منابع انسانی را آشکار می‌سازد. نتایج این پژوهش همسو با تحقیقات داخلی (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۲؛ لاله‌پور، ۱۳۹۶؛ گلچینی و خضرنژاد، ۱۳۹۷؛ اسکندرثانی و همکاران، ۱۳۹۷) و بر خلاف مطالعات پیشین داخلی (صباغی و بحرینی، ۱۳۹۹؛ نادری و همکاران، ۱۳۹۸؛ پیرمردیان و همکاران، ۱۳۹۸) و خارجی (Wang et al, 2017; Sence and Korthals, 2010; Isaksson and

- بهره‌گیری از فرصت‌های منطقه همچون احساس اعتماد جامعه مدنی به عملکرد نهادها به عنوان یکی از نمودهای سرمایه اجتماعی

- تنظیم مشوق‌های مادی و معنوی برای نهادها در راستای رقابت برای ارتقای خدمات‌رسانی و عملکردهای بهینه‌تر و مطلوب‌تر

سیاسگزاری

نویسندگان این مقاله از هیچ سازمان یا ارگانی کمک مالی دریافت نکرده است.

- آموزش نیروی انسانی در ارتباط با شرح خدمات و وظایف نهادی و افزایش دانش و آگاهی آنان

- بازتدوین مقررات نهادی با توجه به آسیب‌ها و چالش‌های موجود در منطقه و ضرورت تغییر رویکرد با توجه به نیازهای بومی هر منطقه

- برون‌سپاری برخی از وظایف نهادی به بخش‌های خصوصی و مردمی جهت کاهش بروکراسی اداری و کاستن حجم فعالیت‌ها

- نظارت مستمر و جدی‌تر بر عملکرد نهادهای شهرستان توسط نهادهای مرکزی استانی با مراجعه به نظرات و آرای مردمی در کنار عملکردهای ماهانه و سالانه نهادها

- تخصیص بودجه جداگانه در نهادها برای توسعه و آبادانی مسائل دامن‌گیر، ویژه و خاص شهرستان‌ها

منابع (References)

- Almeida, F. and Cruz, V., 2020. Allan Gruchy's view of institutionalism and the foundation and early years of the Association for Evolutionary Economics, *Journal of Economic Surveys*, v. 21, p. 394-406.
- Baker, S., 2007. Sustainable development as symbolic commitment: Declaratory politics and the seductive appeal of ecological modernisation in the European Union, *Environmental politics*, v. 16(2), p. 297-317.
- Bossio, C., Labbe, D. and Ford, J., 2021. Urban dwellers' adaptive capacity as a socio-psychological process: Insights from Lima, Peru. *Climate Risk Management*, v. 34, p. 352-371.
- Bradley, P., 2022. An exploration of institutional approaches in pursuing sustainable development. *Sustainable Production and Consumption*, v. 30, p. 623-639.
- Bridges, A., 2016. The role of institutions in sustainable urban governance, *Natural Resources Forum*, v.40(4), p. 169-179. doi:10.1111/1477-8947.12116.
- Brown, R.R., 2008. Local institutional development and organizational change for advancing sustainable urban water futures, *Environ Manage*, v. 41(2), p. 221-233.
- Chapman, M., 2001. Lessons for Community Capacity Building: A Summary of Research Evidence. Research Department Scottish Homes, Thistle House, Copyright: Scottish Homes.
- De Meene, S., 2008. Institutional Capacity Attributes of a Water Sensitive City: the Case of Sydney, Australia, 11th International Conference on Urban Drainage, Edinburgh, Scotland, UK.
- European Commission., 2005. Sixth Periodic Report in the Social and Economic Situation and Development of Region in the European Union. Luxembourg: European Commission.
- Finkbeiner, M., Schau, E.M., Lehmann, A. and Traverso, M., 2010. Towards life cycle sustainability assessment, *Sustainability*, v. 2(10), p. 3309-3322.
- Frank, T., 1999. Capacity building and Institutional Development: reflections on water, *Public Administration and Development*, v. 19, p. 51-61.
- Fresneda, S. and Hernandez, J., 2018. Institutional capacity in the accounting reform process in Spanish local governments, *Revista de Contabilidad*, v. 21(2), p. 188-195.
- Hoballah, A., Peter, C. and L'environment, P., 2012. Sustainable, resource efficient cities: making it happen!: UNEP.
- Hodgson, G.M., 2006. What are institutions? *Journal of Economic Issues*, v. 40(1), p. 1-25.
- Isaksson, K. and Hagbert, P., 2020. Institutional capacity to integrate "radical" perspectives on sustainability in small municipalities: experiences from Sweden, *Environmental Innovation and Societal Transitions*, v. 36, p. 83-93.

- Jameson, K.P., 2006. Has institutionalism won the development debate? *Journal of Economic Issues*, v. 40(2), p. 369-375.
- Mackinnon, D., 2020. Institutionalism/Institutional Geographies, *International Encyclopedia of Human Geography (Second Edition)*, v. 1, p. 249-351.
- Mehlum, H., Karl, M. and Torvik, R., 2006. Cursed by Resources or Institutions?. *The World Economy*, v. 29, p. 1117-1131. 10.1111/j.1467-9701.2006.00808.x.
- Michell Wesley, C., 2010. The Ratonality of Economic Activity II, *Journal of Political Economy*, v. 18(3).
- Morrison, T.H., 2014. Developing a regional governance index: The institutional potential of rural regions, *Journal of Rural Studies*, v. 35, p. 101-111.
- Panel, I.R., Consumption, U.N.E.P.S. and Branch, P., 2011. Decoupling natural resource use and environmental impacts from economic growth: UNEP/Earthprint.
- Parada, J.J., 2006. A pragmatic institutional economics approach to economic development and institutions: The case of Colombia: University of Missouri-Kansas City.
- Schandl, H., Hatfield-Dodds, S., Wiedmann, T., Geschke, A., Cai, Y., West, J. and Owen, A., 2016. Decoupling global environmental pressure and economic growth: scenarios for energy use, materials use and carbon emissions, *Journal of cleaner production*, v. 132, p. 45-56.
- Schandl, H., Hatfield-Dodds, S., Wiedmann, T., Geschke, A., Cai, Y., West, J. and Owen, A., 2016. Decoupling global environmental pressure and economic growth: scenarios for energy use, materials use and carbon emissions, *Journal of cleaner production*, v. 132, p. 45-56.
- Sence, S. and Korthals, W.K., 2010. Institutional capacities in the land development for housing on Greenfield sites in Istanbul, *Habitat International*, v. 34(2), p. 183-195.
- Tonn, B., 2014. Review of Governance by Evaluation for Sustainable Development: Institutional Capacities and Learning. *Journal of Cleaner Production*, v. 68, p. 281-282.
- Verma, N., 2015. *Institutions and Planning*, Amsterdam: Elsevier Publication.
- Wang, Q., Deutz, P. and Chen, Y., 2017. Building institutional capacity for industrial symbiosis development: A case study of an industrial symbiosis coordination network in China, *Journal of Cleaner Production*, v. 142, p. 1571-1582.
- Wiig, A. and Kolstad, I., 2009. Is Transparency the Key to Reducing Corruption in Resource-Rich Countries?. *World Development*, v. 37, p. 521-532.